

به نام خدا

جاذبه های گردشگری اصفهان را نمی توان رتبه بندی کرد، از این جهت که هرکدام در نوع خود بی بدیل و با دیگر آثار غیر قابل مقایسه است. هر ساله گردشگران زیادی در سفر به ایران مشتاقانه در انتظار رسیدن به اصفهان اند که آوازه ی هنر و معماری و تاریخچه ی غنی و پربارش به همه جای جهان کشیده شده. حتما اگر تا امروز به میدان امام اصفهان یا همان نقش جهان نرفته باشید اما بارها اسم آن را شنیده اید.

میدان نقش جهان، یکی از نقاط مرکزی اصفهان است که توسط چند اثر تاریخی و معماری ارزشمند احاطه شده. مسجد شیخ لطف الله، مسجد جامع عباسی و عمارت بی نظیر عالی قاپو. عالی قاپو که کاخی ست شش طبقه، در حقیقت قرار بوده در ابتدا تنها دروازه ای باشد برای ورود به میدان نقش جهان که توسط شاه عباس اول صفوی دستور ساخت آن صادر شد و گفته می شود درب اصلی آن از نجف اشرف به ایران آورده و نصب شد.

در آن زمان پایتخت ایران به تازگی به اصفهان منتقل شده بود و شاه عباس فرمان داد درگاه بزرگ و عمارتی برای ورود به پادشاهی اش ساخته شود. اما بعدها این بنا گسترده تر شد به طوری که ماحصلی که امروز از آن پا برجاست طی صد سال ساخته شده و طبقات بیشتری به آن اضافه شده تا جایی که مساحت آن امروز به ۱۸۰۰ متر مربع می رسد. عالی قاپو به قصر دولتخانه تبدیل شد که اتاق هایی نیز در آن برای انجام امور دولتی و صدور برخی مجوزها ساخته شد و حتی بعد از آن شاه عباس دوم باز هم آن را گسترده تر کرد.

هر طبقه که با پله هایی پیچ در پیچ و کاشی کاری شده با نقوش اسلیمی و یادآور معماری اصیل ایرانی به طبقات دیگر راه پیدا می کند، شامل تالاری وسیع و اتاق هایی ست با نقاشی ها و تصویرسازی های خیره کننده که به دست هنرمند مشهور دوران، رضا عباسی، کشیده شده اند. بر در و دیوار اتاق ها نقاشی های گل و بوته، باغ و حیوانات و پرندگان و دیگر نقش های مینیاتور دیده می شود که نشان از ذوق و هنر ایرانی در تمام دوران دارد.

در هر طرف درگاه ورودی سکویی سنگی و بر بالای آن ظاهرا کتیبه ای قرار داشته که نوشته های آن از بین رفته است. اگر پا به ایوان بگذارید، در واقع به جایی که شاه که در آن از وزیران و سفیران خارجی و مهمان های ویژه ی دربار پذیرایی می کرده، بیشتر متوجه شکوه و جلال کاخ خواهید شد. در ایوان قصر با سقف چوبی و ستون های بلندش تمام نقش جهان زیر پای شماست و این مشرف بودن به حجره ها و حوادثی که در میدان می افتاده بی سبب نبوده. تمام مراسم و تشریفات مهم از جمله جشن های آیینی و مذهبی، مسابقات چوگان و اسب دوانی، آتش بازی ها و عزاداری ها همگی در میدان برگزار می شدند و شاهان از ایوان آنها را به نظاره می نشستند.

به طبقات بالاتر که قدم بگذارید و از پله هایی که کاشی کاری هایشان به قدری زیبا و لطیف است که دلتان نمی آید روی آن پا بگذارید، بالا بروید، خواهید دید که طبقاتی که بعدتر هم ساخته شدند چیزی از هنر و جزییات کمتر ندارند. طبقه ی سوم با وجود بیش از ۱۵ ستون آینه کاری شده و سقفی که به شدت چشم نواز است. همینجا اگر سرتان را بالا بگیرید نقاشی های مینیاتوری روی سقف هم شما را حیرت زده می کند. یکی از شگفتی های عالی قاپو این است که با ناه کردن از بیرون نمی توان حدس زد که این عمارت چند طبقه دارد و از هر ضلعی به آن نگاه کنید طبقات مختلفی می بینید.

اما طبقه یا در حقیقت نیم طبقه ی آخر، و اعجابی که در خود دارد. در این طبقه شاهکار معماری ایرانی تکمیل می شود. تالاری که کاملاً گچ کاری شده و گچ بری ها عموماً به شکل جام های شراب هستند. اینجا، تالار موسیقی ست. تالاری که در آن صوت منعکس نمی شود و کمترین صداها در تمام تالار شنیده می شود. نوازندگان و مطربان با آلات موسیقی در آن برای اجرا جمع می شدند و بساط طرب را نزد شاه فراهم می کردند. عمارتی که امروز می شناسم، با حمله ی افغان ها و بی کفایتی و کینه ورزی برخی پادشاهان بعد از شاه عباس تخریب شد. اما با روی کار آمدن شاه سلطان حسین بازسازی آن از سر گرفته شد و تا دوره ی پهلوی ادامه یافت به شکلی که امروز این عمارت ارزشمند در یکی از زیباترین شهرهای ایران خودنمایی می کند.

